فهرست

[اصول / حجیت خبر واحد 2](#_Toc188802344)

[پیشگفتار 2](#_Toc188802345)

[بررسی سیره عقلاییه 2](#_Toc188802346)

[تقریر اول 2](#_Toc188802347)

[تقریر دوم 2](#_Toc188802348)

[سیره متشرعه 3](#_Toc188802349)

[دلیل مخالفین سیره متشرعه 4](#_Toc188802350)

[رویکرد مواجهه با سیره متشرعه 4](#_Toc188802351)

[رویکرد اول 4](#_Toc188802352)

[رویکرد دوم 4](#_Toc188802353)

[رویکرد سوم 5](#_Toc188802354)

[رویکرد چهارم 5](#_Toc188802355)

[خلاصه مطلب 5](#_Toc188802356)

[مسئله سوم 5](#_Toc188802357)

[مناقشات 7](#_Toc188802358)

[مناقشه اول 7](#_Toc188802359)

[تقریر اول 7](#_Toc188802360)

[تقریر دوم 7](#_Toc188802361)

[جواب مناقشه 7](#_Toc188802362)

# موضوع: اصول / حجیت خبر واحد

# پیشگفتار

بحث در ادله حجیت خبر واحد بود که بعد از آیات و روایات به سیر رسیدیم، در سیره‌ها هم اول سیره عقلاییه است بعد سیره متشرعه

# بررسی سیره عقلاییه

در سیره عقلاییه گفته شد که دو تقریر وجود دارد؛

## تقریر اول

آن است که عقلا در روابط اجتماعی و تعاملات میان خود به خبر ثقه عمل می‌کنند و آثار را بر آن مترتب می‌کنند علی الاطلاق در هر جایی با هر شرایطی بدون اینکه مقید به اطمینان آوری باشند.

این تقریر اول بود و به شکلی این سیره عقلاییه محل تردید قرار گرفت از ناحیه عده‌ای به خاطر اینکه می‌گفتند آن صورت‌ عدم حصول اطمینان نوعی برای ما واضح نیست که مشمول این سیره باشد، از نظر ما هم درگیری آن با بحث آیات ناهیه از عمل به ظن بود لذا مقداری در اینجا سست بود.

این تقریر با موانعی مواجه بود، خصوصیت این تقریر اول این بود که می‌گفت عقلا در همه روابط بر خبر واحد اعتماد می‌کنند در انواع روابط در شرایط مختلف، اطمینان باشد، نباشد، راهی برای تحصیل اطمینان باز باشد یا نباشد. همه جا این‌طوری نیست.

## تقریر دوم

آن بود که جلسه قبل اشاره کردیم و عبارت از این بود که عقلا سیره خاصه‌ای دارند در مواردی که دسترسی به اطمینان سهولتی ندارد، نمی‌گوییم در حد اینکه نمی‌شود و انسداد، روا نیست که در همه موارد بگوییم شما اطمینان پیدا کن از غیر راه خبر یا یک خبر متواتر و مستفیضی پیدا بکند یا خبر محفوف به قرائن قطعیه و اطمینانیه پیدا بکن، روا نیست در هزاران موضوع که سر و کار دارد بگوید برو اطمینان پیدا کن، اینجا‌ها که روان و آسان نیست می‌گوید به خبر اعتماد بکن، حتی کارشناسی هم این‌طور است می‌گوید به کارشناسی اعتماد بکن.

این تقریر دوم سیره بود که سیره خاصه در نطاق روابط ویژه‌ای و شرایط ویژه‌ای می‌شود. دو قید در اینجا بود؛ یکی در همه بیان‌ها بود و یکی در یک بیان خاص،

۱- یکی این بود که این در همه روابط اجتماعی نیست، روابط بین عبید و موالی است، روابط بین شارع و متشرعه است

۲- و قید دوم هم این است که این ارجاع به خبر ثقه علی الاطلاق در جایی است که دسترسی‌ها آسان نیست.

بخواهیم بگوییم اطمینان‌آور باشد یا راه‌های اطمینانی دیگر را اعتماد بکن، با سختی‌هایی مواجه می‌شود و ممکن است چیزهایی از دست او برود، نه به آن حدی که دلیل انسداد بشود، چیزی قبل از آن، چون به حد انسداد برسیم باید به دلایل بعدی وارد بشویم.

این تقریر دوم بود که در واقع در این تقریر تحدید می‌کنیم نطاق سیره فی الاطاراة الخاصه در روابط عبید و موالی، در بین شارع و متشرع و آن هم تحدید به آن جا می‌شود که لا یتیسر الحصول علی العلم و الاطمینان، اینجا به خبر اعتماد می‌کنند؛ شاید در کارشناسی‌ها هم این‌طور باشد. اینکه به دکتر قلب مراجعه می‌کنند، به دکتر دیگر، اعتماد می‌کند و برای معالجه اقدام می‌کند.

اگر در یک جایی در تهران است، دسترسی هم دارد، ده نفر دکتر قلب و غیره هست و راحت می‌تواند پیدا بکند، می‌گوید معلوم نیست که اینجا فوری کارشناسی شد، بگوید عمل بکن، می‌گوید برو کارشناس بهتر پیدا بکن، تحقیق می‌کند ولی جایی که راهی آسانی ندارد، یک پول معمولی دارد، آن هم در یک شهرستان است، عقلا می‌گویند به کارشناس اعتماد کن، ولو اطمینان هم ندارد. این سیره تقریر دوم بود.

این تقریر دوم را قبول داشتیم و به نحوی ترجیح می‌دادیم و این همان تقریری است که میانه آن چیزی است که آقای خویی و امثال ایشان می‌گویند که یک سیره عقلاییه مبنی بر عمل خبر ثقه را می‌پذیرفتند، علی الاطلاق و آن چه که کسانی کلاً می‌گفتند این سیره برای جایی است که اطمینان پیدا بکند، اگر اطمینان پیدا نکند، اصلاً این سیره را احراز نکردیم، نائینی هم همین‌طور می‌گفت. شیخ چند جا این را آورده است که می‌گوید این تابع اطمینان است، این در رسائل آمده است. جمعی هم این را پذیرفته‌اند که ما سیره عقلاییه به این شکل نداریم.

این بین آن دو نظر قرار می‌گیرد؛ آن که می‌گوید اصلاً سیره عقلاییه مبتنی بر عمل بر خبر ثقه وجود ندارد الا در جایی که حافه به قرائن باشد، محفوف به قرائن باشد و آن کسانی مثل آقای خویی می‌گویند یک سیره عقلاییه هست در همه روابط، میان خودشان مبنی بر اعتماد بر خبر ثقه، ولو اطمینان شخصی و نوعی هم در آن نباشد.

این یک راه میانه‌ای است؛ می‌گوید در یک جاهایی که سهولت ندارد، دسترسی به قرائن و اطمینان، عقلا می‌گویند عمل بکن و به ویژه ممکن است قید دوم را کسی بزند، به ویژه در روابط عبید و موالی که ما می‌گفتیم با این دو قید بعید نیست سیره باشد. در رابطه بین عبد و مولا، آن هم عبد و مولایی مثل شارع که دایره وسیعی پیدا می‌کند از احکام و تکالیف و آسان هم نیست که بگوییم تواتر، استفاضه، قرائن قطعیه و اطمینانیه، ولو انسداد هم نیست و مادون انسداد است، عقلا می‌گویند سیره‌ای در این شرایط خاص با این دو سه قید وجود دارد.

این تقریر شاید ما را از آن معضل و مشکل آیات رادعه هم بیرون بیاورد و مقداری قوی‌تر است و شبیه ظهورات است، این متوقف بر این نیست که ببیند رادع وجود دارد یا خیر؟!

سیره عقلاییه تمام شد، یک تقریر را قاطعانه گفتیم مواجه با مشکل می‌دانیم، اما تقریر دوم لا یبعد تمامیت آن.

# سیره متشرعه

دلیل دیگر که برای حجیت خبر مورد تمسک قرار گرفته است و جمع زیادی آن را قبول کرده‌اند، از جمله شهید صدر.

# دلیل مخالفین سیره متشرعه

و در نقطه مقابل هم کسانی مطلقاً آن را قبول ندارند، به این دلیل که می‌گویند متشرعه اگر هم در روابط خودشان با مولا به خبر واحد عمل می‌کنند، این ناشی از همان سیره عقلاییه است. سیره عقلاییه آنجا تجلی پیدا کرده است.

پس سیره متشرعه دلیل دیگری است و بیان آن هم واضح است اینکه گفته می‌شود در میان عقلا ما احراز نکردیم آن سیره اعتماد به خبر ثقه را، ولی در فضای ما و شارع، (این بحث در میان امامیه است) در روابط بین اصحاب و مردم و شیعیان و ائمه هدی، یا مقداری وسیع‌تر از آن، بنا و رفتار بر این استقرار پیدا کرده است که به خبر موثقین و کسانی که وثوق دارند عمل می‌کنند و در موارد هم اطمینان شخصی یا نوعی پیدا نمی‌شود ولی بنا بر این است که حرف شخصی که توثیق شده است عمل می‌کنند.

# رویکرد مواجهه با سیره متشرعه

همانطور که اشاره کردیم این سیره متشرعه مواجه با چند رویکرد و نظریه اصولی است؛

## رویکرد اول

این سیره را قبول ندارد؛ حتی سیره عقلاییه را هم قبول ندارد. بعضی می‌گویند نه سیره عقلاییه تمام است و نه سیره متشرعه. اگر در سیره متشرعه اعتماد می‌کردند و ترتیب آثار می‌دادند یک نوع اطمینان نوعی وجود داشته است و الا بدون اطمینان نوعی نیست و سیره عقلا را هم قبول ندارد. می‌گویند همه جا باید اطمینان نوعی باشد، دایره اطمینان را در این اخبار غالباً می‌گوید اطمینان دارد یا اگر نه، انسدادی می‌شود و به سمت انسداد می‌رود.

این رویکرد اول و مواجهه اول برخی با سیره متشرعه. این مواجهه اول نه سیره عقلا را قبول دارد و نه سیره متشرعه و برای اعتماد به اخبار یا باید گفت اینها غالباً اطمینان دارند، تولید می‌کنند یا اگر این‌جور نباشد انسدادی می‌شود.

## رویکرد دوم

رویکرد کسانی است که سیره عقلاییه را قبول دارند ولی سیره متشرعه را بما هی سیرة خاصه قبول ندارند؛ برای اینکه می‌گویند این سیره متشرعه نمودی از آن سیره عقلاییه است، مصداق است و یک جلوه‌گاهی از سیره عامه عقلاییه است از جمله در حوزه مسائل شرعی و روابط میان ما و شارع.

پس رویکرد اول می‌گوید سیره متشرعه را قبول ندارم و سیره عقلاییه را قبول ندارم.

رویکرد دوم می‌گوید سیره متشرعه را بماهی سیرة خاصه قبول ندارد بلکه آن را مصداقی از سیره عقلاییه می‌داند که اینجا پیاده شده است. می‌گوید یا سیره عقلاییه است؛ یا سیره عقلاییه عامه یا خاصه است. ولی می‌گوید سیره عقلایی است و حیث تشرع در این سیره دخالت ندارد، عقلاییه در این رویکرد دوم اعم از عقلاییه عامه که تقریر اول بود یا آن سیره عقلاییه خاصه که تقریر دوم بود. به هر جهتی که این افراد را به سمت اعتماد به این اخبار برده است، همان وجه عقلایی عام یا خاص است، نه وجه متشرعه بودن است که بگوییم این را از فضای شرع گرفته است.

## رویکرد سوم

این است که کسی بگوید من هر دو را قبول دارم؛ هم سیره عقلاییه به آن بیان عام یا بیان خاص را قبول دارم، علاوه بر آن اینجا سیره متشرعه هم هست، منتهی اجتماع عاملین علی معمول واحد شده است، دو چیز یک نتیجه را می‌دهد؛ مثل اینکه می‌گوید اکرم العلماء دلیل دیگر می‌گوید اکرم العالم العادل، می‌گوییم دو حکم است که تأکد پیدا می‌کند. اینجا اگر سیره خاصه شرعی نبود، عقلا به یکی از آن دو بیان سیره داشتند و اگر سیره عقلاییه هم نبود، سیره متشرعه بما هی سیرة خاصه بود، پس اجتماع هر دو دلیل است. این هم یک رویکرد است که از بعضی از کلمات شهید صدر استفاده می‌شود.

## رویکرد چهارم

این است که کسی بگوید سیره عقلاییه را نه بیان اول و نه بیان دوم را قبول ندارم (که ما نسبت به بیان اول همین‌جور می‌گفتیم) حالا کسی بگوید هیچ‌کدام از سیره عقلاییه را قبول ندارم.

عقلا در روابط خود، سراغ این می‌روند که اطمینان پیدا بکنند، لذا سیره عقلاییه نیست که خبر ثقه بما هو خبر ثقةٍ ولو اطمینان شخصی و نوعی نیاورد، مورد اعتماد و مراجعه باشد.

اما سیره متشرعه هست، در این فضای شرعی عقلا، نه بیان اول و نه بیان دوم سیره ندارند، اگر هم باشد یک اشعاری است و چیز تامی نیست ولی در روابط اصحاب و شیعیان با ائمه، به طور خاص از حیث آن تشرع، سیره خاصه‌ای منعقد شده است.

پس مواجهه با هر یک از این سیره‌ها می‌تواند یکی از این چهار حالت را داشته باشد به ترتیبی که عرض کردیم.

## خلاصه مطلب

۱- تقریر اجمالی سیره متشرعه بیان شد.

۲- اینکه چهار نوع مواجهه با سیره‌ها هست؛ که هردو را بپذیریم؟ هیچ‌کدام پذیرفته نشود، یا سیره عقلاییه پذیرفته شود و سیره متشرعه پذیرفته نشود، یا اینکه متشرعه پذیرفته شود و عقلاییه پذیرفته نشود.

این چهار صورت عقلی است منتهی این چهار صورت عقلی که اینجا اشاره شد و عبارت بود از پذیرش هردو، نفی هردو، پذیرش سیره عقلاییه دون متشرعه و پذیرش سیره متشرعه دون سیرة عقلاییه، همه اینها قائل دارد و قابل تقریر است.

# مسئله سوم

در تقریر تفصیلی مسئله این است که (این تقریر همان است که در بیان دوم سیره عقلاییه گفته‌ایم و اینجا می‌شود با یک چرخشی و تقییدی به عنوان تقریر سیره متشرعه بیان کرد.) و آن این است که کسی بگوید در سیره عقلاییه نه بیان اول و نه بیان دوم را نتوانستم احراز بکنم یا اگر هم باشد مواجه با آیات رادع از عمل به ظن است و این نمی‌گذارم اعتمادم را به شکل اطمینانی تمام کنم.

ولی وقتی در فضای شرع و روایات وارد می‌شوم می‌بینم تاریخ، اصلاً رابطه اصحاب و شیعیان با ائمه بر اساس این است که بر خبر بما هو خبر ثقة اعتماد بکنند ولو اطمینان نیاورد.

کسی می‌گوید من این را احراز می‌کنم وقتی که وارد این فضا می‌شود، با انواع شواهد از جمله اینکه واقعیت خارجی را که می‌دانیم این است که در بخش واقعیت خارجی اصحاب و راویان و محدثان این است که به سه گروه تقسیم می‌شوند؛ (این در کلمات شهید صدر هم آمده است)

گروه اول از راویان و محدثان آدم‌های جاافتاده و در تراز بالایی هستند به حیثی که اگر او چیزی بگوید آدم اطمینان پیدا می‌کند کسی در کوفه بوده است وارد مدینه می‌شود و زراره را می‌بیند، زراره چیزی می‌گوید، اینجا اطمینان نوعی پیدا می‌شود با توجه به جلالت این شخص.

گروه دوم؛ نقطه مقابل اینها هستند و آن‌ها تضعیف شده‌اند و ائمه هم عنایت داشتند که روات جاعل و وضاع را طرد بکنند، کذابٌ ملعونٌ در مورد جمعی از روات این‌جوری هست.

گروه سوم؛ ولی جمع زیادی از روات، بخصوص آنجا که واسطه می‌خورد و به ویژه برای کسانی که در اماکن نائیه و بعیده‌ای از مقرّ حضور امام هستند و به خصوص در اعصار متأخر از ائمه و بعد از امام رضا علیه‌السلام. اینها را در نظر بگیرید، آنجا دیگر روایات معلوم است که اطمینان به موضوع در هرجایی برای آدم پیدا نمی‌شود ولی معلوم است که بنای همه بر این بوده است که به اینها عمل بکنند، اگر بخواهند عمل نکنند، خیلی از احکام از دست می‌رود.

این یک سیره خاصه‌ای بوده است که به دلایلی از جمله اینکه اگر این نباشد خیلی از احکام از بین می‌رفت یا اینکه در سختی‌های زیاد قرار می‌گرفتند، به این دلایل چیز خاصی در فضای شرعی شکل گرفته است.

شواهد این مسئله همین است که گفتیم؛

۱- آنجا که وضع روات خراب بوده است، ائمه عنایت داشتند که آن‌ها را طرد کنند.

۲- اینکه می‌دانیم همیشه روات از نوع تراز بالا نیستند و غالباً از نوع سوم عادی و متعارف است و اینها غالباً در موضوع برای کسی اطمینان ایجاد نمی‌کند، ظن ایجاد می‌کند.

۳- اینکه همیشه در فضای نقل یک واسطه‌ای نیست، چند واسطه می‌خورد که اطمینان کم پیدا می‌شود.

۴- اینکه یک بخش زیادی از اعصار ائمه در اعصار تقیه شدیده بوده است.

این مسائل را کنار هم بگذاریم آدم مطمئن می‌شود که فضای امامیه، لااقل و پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام فضایی است که تکیه آن‌ها خبر است و الا اگر بخواهید جای دیگر ببرید، خبری نیست و این خبر هم معلوم است با این مسائلی که گفته شد خیلی وقت‌ها شخص نمی‌تواند بگوید من واقعاً اطمینان پیدا کردم که حالا گفت اینجا شک سه و چهار است، این است، اطمینان نوعی پیدا شده است که امام این‌جور فرموده است. معلوم است که نمی‌شود اینها را کنار گذاشت. این سیره متشرعه‌ای است که با این بیان ادعا شده است.

# مناقشات

در بررسی و تحقیق در اینجا چند نکته را باید ملاحظه کرد که ممکن است اینها نقاط مناقشه باشد؛

## مناقشه اول

اینکه کسی ممکن است بگوید اگر چنین سیره‌ای را شما می‌گویید، این دیگر اختصاص به خبر ثقه ندارد، این همان است که بعضی از اخباری‌ها به آن معتقد بودند. می‌گویند یعنی این سیره وجود دارد بر عمل به اخباری که در کتب اربعه و منابع اصلی شیعه آمده است، ثقه و غیر ثقه ندارد که بگوییم سکونی و نوفلی و دیگران دقت‌های رجالی ندارد.

این سیره‌ای قائم است و استقرار دارد بر اعتماد به همین چیزی که در کتب اصلی ما آمده است، مخصوصاً در کتب اربعه، سیره روی این آمده است. اینجا خبر ثقه لازم نیست، احراز وثاقت این راوی یا آن راوی بشود.

البته نسبت به این مسئله اعتماد به کتب موجوده به ویژه کتب اربعه، دو تقریر وجود دارد؛

## تقریر اول

این است که گاهی از حرف‌های اخباری‌ها استفاده می‌شود این است که آنچه در اینها هست، اطمینان تولید می‌کند. این یک تقریر است که اگر این باشد به بحث ما ربطی ندارد.

## تقریر دوم

این است که در این مناقشه مطرح می‌شود و آن این است که بگوییم سیره بر عمل به اینها وجود دارد ولو اینکه اطمینانی تولید نکند ولی دیگر بحث ثقه اینجا رنگ می‌بازد، آنکه ما از سیره خاصه متشرعه استفاده می‌کنیم اعتماد به چیزی است که در کتب اربعه آمده است، آن پالایش‌های لازمی که وضاع و ملاعین در آن باشد، با هدایت ائمه انجام شده است و آن‌ها کنار رفته است.

این یک شبهه است که اصل مسئله را می‌پذیرد ولی می‌گوید نتیجه این، خبر ثقه نیست، همین اخبار موجوده در منابع اصلی و بالاخص کتب اربعه است.

این یک بیان است که اصل مسئله را می‌پذیرد ولی می‌گوید نتیجه اعم از مدعای شما هست، نتیجه حجیت خبر ثقه بما هو خبر ثقةٍ که توثیق را از نجاشی و شیخ به دست می‌آوریم نیست، بلکه نتیجه این است که این اخباری که در کتب اربعه و منابع معتبره است، کلام معتبر است.

## جواب مناقشه

این که این سیره سیره متشرعه است و سیره دلیل لبی است، ما اگر مقداری شک کنیم که این سیره روی اخبار ثقات تأیید شده از سوی نجاشی و شیخ یا اهل رجال آمده است یا اینکه روی کل روایاتی که در اینها هست آمده باشد، باید قدر متیقن را بگیریم.

شاهد این قدر متیقن این است که سعی بلیغ متقدمین از رجالیین مثل شیخ و نجاشی بر تفکیک روات بین موثق و ضعیف و غیر این دو، نشان می‌دهد که اینها در یک رده نبوده‌اند و یک تفاوتی بین اینها وجود دارد. همین را هم احتمال بدهیم کافی است برای اینکه دایره سیره متشرعه را محدود بکند.